

5th National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریتی و علوم انسانی در ایران
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران



معیارهای دعوای طاری

الیاس یاری

yari.elias@yahoo.com

چکیده

اصل استقلال دعوای اقتضا می نماید که هر دعوایی به صورت مستقل اقامه و علی الاصول به صورت مستقل نیز مورد رسیدگی و صدور حکم قرار بگیرد با این وجود، قضای شایسته، پرهیز از صدور احکام متعارض و نیز حل و فصل سریع تر اختلافات ایجاب می کند که این اصل در برخی موارد نادیده گرفته شده و دعوای مرتبط با یکدیگر ضمن دادرسی واحد مورد رسیدگی واقع شود تا دادگاه با لحاظ تأثیر متقابل آن ها بر یکدیگر با انشای رأی واحد تکلیف آنها را مشخص نماید؛ بر اساس این مصالح، مقنن در ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر داشته است که دعوای طاری (اضافی، متقابل، ورود ثالث، جلب ثالث) که در جریان دادرسی اصلی اقامه می شود به صورت توأمان با دعوای اصلی مورد رسیدگی واقع شود. دادگاه ابتدا باید وجود یکی از دو شرط دعوای طاری یعنی ارتباط یا وحدت منشأ را احراز نماید؛ ارتباط به این معنا است که صدور حکم در یکی از این دعوای بر دیگری نیز مؤثر باشد؛ وحدت منشأ نیز به این معنا است که عمل یا واقعه‌ی حقوقی که مبنا و اساس حق مورد مطالبه را تشکیل می دهد در هر دو دعوی یکسان باشد.

کلمات کلیدی: دعوای طاری، آیین دادرسی مدنی، احکام



5th National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریتی و علوم انسانی در ایران
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

۱- مفهوم دعوای طاری

طاری در لغت به معنای ناگاه روی داده، ناگاه درآینده، عارض، معنا شده است (معین، ۱۳۶۰: ۲۹۹۵). در کتب فقهی نیز طریه و طرؤه و طاری به معنای ناگاه عارض شدن استعمال شده است؛ برای مثال، صاحب جواهر درمبحث رهن مالی که قبل از اجل دین در معرض فساد است، بیان می‌دارد: «... اما اگر آنچه موجب فساد قبل از اجل است، بعد از عقد عارض شود، صحت عقد بعید نیست و برای جمع بین حقیقین، مال، فروخته و ثمن آن رهن خواهد بود (نجفی، ۱۹۸۱: ۱۳۷/۲۵). دعوای طاری نیز با توجه به این معنای لغوی با تعاریف مختلفی مواجه شده است. در یکی از این تعاریف، دعوای طاری دعوایی دانسته شده است که در اثنای رسیدگی به دعوای دیگر، اصحاب دعوی یا ثالث اقامه کنند، خواه آن را اصحاب دعوی بر هم اقامه نمایند یا بر ثالث و یا ثالثی آن را بر متداعیین اقامه کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۱: ۱۹۳۰). در تعریفی دیگر آمده است که دعوای طاری آن است که در اثنای رسیدگی به یک دعوای اقامه شده، حادث می‌گردد. دعوای طاری اگر از جانب خواهان اقامه شود، به دعوای ضمیمه یا اضافی مرسوم است و هر گاه از طرف خواننده در مقابل ادعای خواهان اقامه گردد؛ دعوای متقابل و چنانچه از طرف شخص ثالثی علیه شخص ثالثی اقامه شود، آن را دعوای جلب ثالث یا ورود شخص ثالث نامند (متین دفتری، ۱۳۸۸: ۲۵۳/۱). در ماده ۱۷ ق.آ.م. نیز همسو با تعاریف فوق، آمده است: «هر دعوایی که در اثنای رسیدگی به دعوای دیگر از طرف خواهان یا خواننده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود، دعوای طاری نامیده می‌شود...» ایراد مشهودی که در همه این تعاریف به چشم می‌خورد، عدم اشاره به دو شرط مهم وحدت منشأ و ارتباط در تعریف دعوای طاری است. در حقیقت اگر به ظاهر تعاریف فوق پای بند باشیم و معیار طاری تلقی شدن دعوی را صرفاً طرح آن در ضمن یک دادرسی دیگر بدانیم، برای طاری تلقی شدن دعوی، طرح آن در جریان رسیدگی به دعوای اصلی کفایت می‌کند؛ فارغ از اینکه با دعوای اصلی اتحاد منشأ یا ارتباط داشته یا نداشته باشد؛ نتیجه‌ای غیر منطقی که باعث گسترده شدن بیش از حد دامنه دعوای طاری و زمینه‌سازی بی‌نظمی در دادرسی خواهد شد. برخی حقوقدانان ضمن التفات کافی به شرط اتحاد منشأ و ارتباط، دعوای طاری را اینگونه تعریف کرده‌اند: هر دعوایی که در اثنای دعوای مطروحه در دادگستری از طرف متداعیین علیه یکدیگر و یا متداعیین و ثالث بر یکدیگر اقامه و با دعوای اصلی متحدالمنشأ و یا مرتبط باشد، دعوای طاری نامیده می‌شود (واحدی، ۱۳۷۰: ۷). در

5th National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریتی و علوم انسانی در ایران
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران



تعریف اخیر، اتحاد منشأ و ارتباط مد نظر واقع شده است و در قیاس با تعاریف صدرالذکر، به نحو مناسب تری بیانگرماهیت دعاوی طاری است. اینک جهت تبیین دقیق دعاوی طاری و به عنوان مقدمه دوم برای ارائه پاسخ مناسب به پرسش اصلی مقاله، به بررسی مجزای این دو شرط می‌پردازیم. لازم به ذکر است که در اقامه دعاوی طاری، شرایط شکلی چون در جریان بودن دادرسی اصلی و خاتمه نیافتن آن و نیز رعایت مهلت قانونی باید مطمح نظر قرار گیرد اما از آنجا که این شرایط ارتباطی با پرسش اصلی مقاله ندارد از بررسی آنها فارغ هستیم.

۱-۱- وحدت منشأ

منشأ در لغت به سبب، سرچشمه، اصل، جایی که چیزی پدید آید و ... معنا شده است (عمید، ۱۳۶۳: ۱۱۶۵). در منابع حقوقی در تعریف سبب گفته شده است: سبب دعوی، عمل یا واقعه حقوقی است که مبنا و اساس حق مورد مطالبه را تشکیل می‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۲۵۲). در تعریفی مشابه، سبب دعوی عبارت از مبنا و منشأ مستقیم و بلاواسطه حقی که مورد ادعا قرار گرفته است، دانسته شده است (واحدی، ۱۳۸۶: ۶۳). بر این اساس، اگر خواهان به خواسته الزام به تنظیم سند رسمی آپارتمان مورد معامله، طرح دعوی نماید و خوانده متقابلاً دعوی الزام به پرداخت تمه ثمن مطرح نماید، به لحاظ اینکه منشأ و یا سبب هر دو دعوی عقد بیع است، شرط وحدت منشأ محرز تلقی می‌شود. همچنین اگر زوجه دعوی مطالبه مهریه به طرفیت زوج مطرح و زوج نیز متقابلاً دعوی تمکین به طرفیت زوجه اقامه نماید، نظر به اینکه منشأ هر دو دعوی عقد نکاح می‌باشد، اتحاد منشأ محقق است. در مقابل، اگر کسی در دادخواست اصلی وجه استقراضی خود را مطالبه کند، نمی‌تواند مبلغ دیگری را از بابت سهم الارث بر خواسته خود بیفزاید، بین آن دو مبلغ ارتباط و وحدت منشأ نیست؛ دو دعوی است که هر یک باید موضوع یک دعوی جداگانه شود (متین دفتری، ۱۳۸۸: ۳۲۰/۲).

۱-۲- ارتباط

شرط دومی که در ماده ۱۷ ق.آ.د.م به آن اشاره شده است، ارتباط دعاوی اصلی و طاری است. معیار احراز شرط ارتباط نیز به جای اینکه در همین ماده که در مقام تعریف کلی دعاوی طاری است، ذکر شود، در ماده ۱۴۱ که به دعاوی متقابل اختصاص

5th National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریتی و علوم انسانی در ایران
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران



دارد، مورد تصریح قرار گرفته است. بر این اساس «بین دو دعوی وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک موثر در دیگری باشد». در قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ نیز وضع از همین قرار بود؛ در ماده ۱۲۸ این قانون که به تعریف دعوی طاری اختصاص داشت، اتحاد منشأ و ارتباط به عنوان دو شرط اساسی همه دعاوی طاری ذکر شده بود؛ اما مفهوم ارتباط، مسکوت مانده بود. سرانجام با اقتباس از ماده ۵۴ قانون سابق اصول محاکمات مدنی لبنان و طی صورتجلسه مورخ ۳ بهمن ۱۳۱۶ کمیسیون پارلمانی ذیل ماده ۲۸۴ این عبارت اضافه گردید: «بین دو دعوی وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک موثر در دیگری باشد» (متین دفتری، ۱۳۸۸: ۲۵۴/۱). در توضیح این معیار گفته شده است که مراد از ارتباط، تأثیر رسیدگی و تصمیم‌گیری در یک دعوی بر دعوی دیگر است؛ به گونه‌ای که نتوان آن دو را از همدیگر متمایز ساخت. مبنای این ادغام پرهیز از صدور احکام متناقض است که به عنوان یکی از اصول دادرسی مبنای بسیاری از احکام را تشکیل می‌دهد (غمامی، ۱۳۸۳: ۲۳۳). در یکی از آراء دیوان عالی کشور نیز در بیان نحوه احراز شرط ارتباط آمده است: «مراد از ارتباط کامل بین دو دعوی آن است که صدور رأی در یکی از آن دو موجب بی‌نیازی از انشای رأی در مورد دیگر باشد یا اثبات یکی از آن دو موجب اثبات یا رد دعوی دیگر گردد» (بروجردی عبده، ۱۳۸۳: ۵۸). با توجه به مفهوم قانونی ارتباط، اگر موجر با ادعای تعدی و تفریط مستأجر، دعوی تخلیه اقامه و خوانده نیز با ادعای خرید عین مستأجره از خواهان، دعوی تقابل به خواسته الزام به تنظیم سند رسمی انتقال اقامه نماید، با وجود اینکه منشأ دعوی اول عقد اجاره و منشأ دعوی دوم عقد بیع است اما به لحاظ ارتباط این دو دعوی و اینکه اثبات یا رد دعوی تخلیه، رد یا اثبات دعوی الزام به تنظیم سند رسمی را در پی دارد، دعوی دوم به عنوان دعوی طاری به صورت توأمان با دعوی اصلی قابل رسیدگی است.

پس از توضیح دو شرط ارتباط و وحدت منشأ باید به این نکته مهم توجه داشت که حسب ظاهر ماده ۱۷ و نیز ۱۴۱ ق.آ.د.م و توجه به حرف «یا» که در هر دو مقرر قانونی فوق‌الذکر به کار رفته است، برای طاری شناختن دعوی، وجود یکی از دو شرط اتحاد منشأ یا ارتباط کفایت می‌کند اما برخی حقوقدانان این استنتاج از ظاهر مواد پیشین را بر نمی‌تابند و معتقدند که علیرغم اینکه حسب ظاهر، قانونگذار احراز یکی از دو شرط ارتباط یا وحدت منشأ را کافی می‌داند، ولی نقش اصلی با شرط ارتباط است و اگر از هر دو بحث شده، از این جهت است که معمولاً وقتی اتحاد منشأ بین دو دعوی وجود دارد، ارتباط کامل

نیز موجود است و الا اگر در موردی وحدت منشأ وجود داشته باشد اما ارتباط کاملی موجود نباشد، پذیرش این دعوا به عنوان متقابل، خالی از اشکال نیست (واحدی، ۱۰: ۱۳۷۰). با پذیرش این نظر دامنه دعاوی طاری تا حدی محدود خواهد شد؛ در نتیجه اگر موجر دعاوی مطالبه اجاره بها اقامه و مستاجر متقابلاً دعاوی الزام به تعمیر عین مستأجره اقامه نماید، علیرغم اتحاد منشأ دو دعوی، اما عنصر ارتباط، مفقود به نظر می‌رسد چرا که صدور حکم در دعاوی مطالبه اجاره بها، تأثیری بر دعاوی متقابل الزام به تعمیر ندارد و بالعکس. در بعد تطبیقی هم آنچه که مشخص است؛ عمدۀ نگاه‌ها معطوف به وصف ارتباط گردیده و اتحاد منشأ مورد توجه واقع نگردیده است؛ برای مثال در ماده ۷۰ ق.آ.د.م فرانسه آمده است که درخواستهای اضافی و متقابل قابل پذیرش نیستند مگر اینکه با خواسته‌های اصلی به موجب پیوند کافی ارتباط داشته باشد (محسنی، ۱۳۹۱: ۱۰۰). در ماده ۳۰ قانون جدید اصول محاکمات مدنی لبنان نیز همانند ماده ۵۴ قانون سابق، تلازم که به معنای ارتباط است، به عنوان شرط اساسی همه دعاوی طاری ذکر شده است؛ بدون اینکه اشاره‌ای به اتحاد منشأ شود (نبیل اسماعیل عمر، احمد خلیل، ۲۰۰۴: ۳۰۲). در بند ۱-۱۲ اصول دادرسی فراملی هم ارتباط اساسی به عنوان شرط طاری شناختن دعوی لازم دانسته شده است (غمامی، محسنی، ۱۳۹۰: ۱۰۹). دیدگاه فوق‌الذکر که سعی در تزییق دامنه دعاوی طاری دارد، با وجود وجهت ظاهری، در حقوق ایران قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اولاً با توجه به حرف اضافه یا که در ماده ۱۷ و ۱۴۱ ق.آ.د.م به کار رفته، پذیرش این دیدگاه، نوعی اجتهاد در مقابل نص است (مقصود پور، ۱۳۹۱: ۱۲۹). ثانیاً اعتقاد به رعایت هر دو شرط، ضمن مغایرت با سیاست کلی قانونگذار در توأم کردن پرونده‌ها و رسیدگی جمعی، گاهی موجب تناقض بین مواد و گاه نیز موجب توالی فاسدی همچون صدور آراء متعارض می‌شود (مولودی، ۱۳۸۱: ۲۹۲). در دفاع از این نظر که جهت طاری شناختن دعوی به احراز یکی از دو شرط اتحاد منشأ یا ارتباط بسنده می‌کند، می‌توان گفت که مقنن از ذکر شرط اتحاد منشأ به دنبال نیل به هدف خاصی بوده است؛ احراز ارتباط بین دعاوی برخلاف آنچه که در ابتدا به نظر می‌رسد، به آسانی ممکن نیست. ارتباط قضایی یک مفهوم حقوقی مهم اما نسبتاً مبهم است که اهمیت آن از چارچوب صلاحیت و حتی آیین دادرسی مدنی فراتر می‌رود (کوشه، لانگلد، لبو، ۱۳۹۱: ۱۳۹). از طرف دیگر، در صورت تردید در اینکه آیا بین دعاوی، ارتباط وجود دارد یا خیر، اصل بر عدم ارتباط است زیرا اصولاً قطع دعاوی مدعی و انحراف از آن قابل قبول نیست (خدابخشی، ۱۳۹۰:

(۱۷۴). فلذا این احتمال دور از ذهن نیست که در بسیاری موارد، محاکم به دلیل مرتبط نداشتن دعاوی از رسیدگی توأمان به دعاوی که فی الواقع مرتبط هستند، سرباز بزنند و با تفکیک دعاوی مرتبط، زمینه ساز صدور آراء متعارض شوند. به ویژه که تصمیم دادگاه در تفکیک دعاوی قابل شکایت نیز نمی باشد. برای اجتناب از این وضعیت و نیز از آنجا که در غالب موارد، دعاوی هم منشأ، مرتبط هم هستند، مقنن در کنار ارتباط به اتحاد منشأ هم اشاره کرده است. این ترتیب باعث می شود که محاکم جهت طاری شناختن دعوی، کمتر وقت خود را مصروف به احراز عنصر ارتباط نمایند و با وجود اتحاد منشأ، به صورت توأمان به دعاوی رسیدگی کنند. به عبارت دیگر، هدف از ذکر وحدت منشأ، ارائه معیاری نوعی برای احراز شرط ارتباط است. این شیوه در موارد اندکی که دعاوی اصلی و طاری ارتباطی با هم ندارند و صرفاً متحد المنشأ هستند، خلاف اصل استقلال دعاوی است ولی مقنن به لحاظ مصلحتی مهمتر یعنی پرهیز از صدور احکام متعارض و تسهیل احراز وصف ارتباط به این موضوع تن داده است.

6

نتیجه

برخلاف نظر برخی حقوقدانان از ظاهر ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی این گونه بر می آید که مقنن برای طاری شناختن دعوی وجود یکی از دو عنصر ارتباط یا وحدت منشأ را کافی می داند و نظری به اجتماع هر دو شرط نداشته است؛ در واقع، قانونگذار از ذکر شرط اتحاد منشأ به دنبال نیل به هدف خاصی بوده است؛ احراز ارتباط بین دعاوی برخلاف آنچه که در ابتدا به نظر می رسد، به آسانی ممکن نیست. ارتباط قضایی یک مفهوم حقوقی مهم اما نسبتاً مبهم است که اهمیت آن از چارچوب صلاحیت و حتی آیین دادرسی مدنی فراتر می رود. در صورت تردید در اینکه آیا بین دعاوی، ارتباط وجود دارد یا خیر، اصل بر عدم ارتباط است زیرا اصولاً قطع دعاوی مدعی و انحراف از آن قابل قبول نیست فلذا این احتمال دور از ذهن نیست که در بسیاری موارد، محاکم به دلیل مرتبط نداشتن دعاوی از رسیدگی توأمان به دعاوی که فی الواقع مرتبط هستند، سرباز بزنند و با تفکیک دعاوی مرتبط، زمینه ساز صدور آراء متعارض شوند. به ویژه که تصمیم دادگاه در تفکیک دعاوی قابل

5th National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریتی و علوم انسانی در ایران
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران



شکایت نیز نمی باشد. برای اجتناب از این وضعیت و نیز از آنجا که در غالب موارد، دعاوی هم منشأ، مرتبط هم هستند، مقنن در کنار ارتباط به اتحاد منشأ هم اشاره کرده است. این ترتیب باعث می شود که محاکم جهت طاری شناختن دعوی، کمتر وقت خود را مصروف به احراز عنصر ارتباط نمایند و با وجود اتحاد منشأ، به صورت توأمان به دعاوی رسیدگی کنند. به عبارت دیگر، هدف از ذکر وحدت منشأ، ارائه معیاری نوعی برای احراز شرط ارتباط است

منابع

7

- ۱- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۰
- ۲- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار احیاء التراث العربیه، الطبعة السادسة، بیروت لبنان، ۱۹۸۱
- ۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم ۱۳۸۷
- ۴- متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج اول، انتشارات مجد، چاپ سوم ۱۳۸۸
- ۵- واحدی، جواد، دعاوی متقابل، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۱۳۷۰، ۲
- ۶- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپخانه سپهر، چاپ اول، ۱۳۶۳
- ۷- کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعاوی مدنی، انتشارات میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۹
- ۸- واحدی، قدرت الله، آیین دادرسی مدنی، جلد ۳، میزان، چاپ چهارم ۱۳۸۶
- ۹- متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۲، انتشارات مجد، چاپ سوم ۱۳۸۸
- ۱۰- غمامی، مجید، دعاوی متقابل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱۳۸۳، ۷۷

5th National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریتی و علوم انسانی در ایران
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران



۱۱- بروجردی، عبده، محمد، اصول حقوقی قضایی مستخرجه از احکام دیوان عالی کشور، انتشارات رهام، چاپ اول، ۱۳۸۲

۱۲- محسنی، حسن، آیین دادرسی مدنی فرانسه، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۹۱

۱۳- نبیل اسماعیل عمر، احمد خلیل، قانون الاصول المحاکمات المدنیه، منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۴

۱۴- غمامی، مجید، محسنی، حسن، اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۹۰

۱۵- مقصودپور، رسول، دعاوی طاری و شرایط اقامه آن، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۱

۱۶- مولودی، محمد، دعاوی اضافی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۸، زمستان ۸۱

۱۷- ژراد کوشه، جان لانگلد، دانیل لبو، آیین دادرسی مدنی فرانسه، ترجمه سید احمد هاشمی، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۰

۱۸- خدابخشی، عبدالله، مبانی فقهی آیین دادرسی مدنی و تأثیر آن در رویه قضایی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۹۰

۱۹- کریمی، عباس، آیین دادرسی مدنی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۶

۲۰- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد ۳، انتشارات دراک، چاپ اول، ۱۳۸۶

۲۱- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد ۲، نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۲